

[اطلاعات شخصی افراد حذف شده است]

پنجشنبه ۳ تیرماه ۱۳۶۱

نامش بهائیه ممتازی (مهدیزاده) است و مادر شهید احسان الله مهدیزاده یکی از سه شهید دیانت بهائی که در اردیبهشت ماه پارسال در شیراز اعدام شدند. شیر زنی است سپیدمو که مدتی طولانی در بیمارستان خلیلی شیراز کار کرده و حالا تنها بعلت بهائی بودن در حال اخراج یا پاکسازی شدن است. هفته گذشته در بیمارستان و در ساعت انجام کار برخوردار داشته با آقای دستغیب پسر آقای سید عبدالحسین دستغیب امامجمعه سابق شیراز که در حادثه انفجار بمبی بدست مخالفان کشته شد. خود وی تعریف میکند " پاسداری صدایم زد و گفت: خانم بیا کارت دارند گفتم چه کسی با من کار دارد؟ گفت آقا گفتم آقا کیست؟ گفت آقای دستغیب بنده رفتم من را داخل اطاقی برده و در بستند و سه پاسدار دهانه تفنگ‌های خود را رویرویم گرفتند با آقا سلام کردم جوابم را نداد. کمی بعد آقا گفت: امیدوار هستم که مسلمان باشی گفتم معذرت می‌خواهم آقا من بهائی هستم گفت چه می‌گوئی گفتم بنده عرض کردم بهائی هستم. پرسید اینجا کار می‌کنی گفتم بله گفت چند سال است گفتم در حدود هیجده سال و حتی بیشتر گفت هیجده سال و حتی بیشتر بیت‌المال را برده‌ای و خورده‌ای؟ گفتم نه آقا آن زمان که اینجا کار می‌کردم بیت‌المال نبود حالا بیت‌المال شده. گفت اگر یک کلام بدبگوئی من با مزایای خوب و حقوق خوب تو را سر کارت نگه میدارم گفتم من تنها کارم را از دست نداده‌ام خیلی چیزها را از دست دادم گفت چه بدی از این انقلاب دیدی؟ گفتم سوال کنید چه خوبی دیدی؟ گفت چه می‌گوئی گفتم بنده می‌گویم سوال کنید چه خوبی دیده‌ای گفت بدی آن کدام بوده است؟ گفتم اول انقلاب خانه و زندگی را غارت کرده و سوزاندند بعد از انقلاب هم بچه‌ام را یازده ماه زندان کرده و سپس اعدام کردند حالا هم خودم را پاکسازی کرده‌اند کارم را هم از من گرفته‌اند حالا بگوئید خوبیش کدام بوده است؟ فریاد کشید چه می‌گوئی فقط اگر یک کلام به باب بدبگوئی من کسی را که بچه شما را از بین برده مجازات میکنم. باندازه دو برابر خانه و زندگی قبلی را برایت مهیا میکنم و دستور میدهم حقوق و مزایای خوبی بشما بدهند. گفتم جناب آقا، من چیزی را از دست داده‌ام که بزرگترین چیزها بوده و ارزشمندترین آنها، کار که چیزی نیست جهنم که از من گرفتید و من بد نمی‌گویم. گفت می‌بایست بگوئی گفتم جناب آقا اگر جسارت نمی‌شود و ناراحت نمیشوید بنده عرضی خدمتتان دارم. گفت بگو گفتم جناب آقا شما می‌فرمائید من بد به علی بگویم آیا اگر من بد به علی بد بگویم ناراحت نمیشوید؟ فریاد کشید چه می‌گوئی چه کسی گفته به علی بد بگو؟ گفتم حضرت رسول اکرم میفرماید " انا مدینه العلم و علی بابها " شما میفرمائید بد به علی بگویم من هم نمی‌گویم دوباره فریاد کشید و گفت می‌فرستمت عادل آباد (زندان شیراز) گفتم بنده حاضرم گفت رفتن به عادل‌آباد و اعدام همراه هستند گفتم بنده حاضرم من از بچه‌ام که عزیزتر نیستم گفت اگر بگوئی اشهد ان لا اله الا الله باز هم ترا بر سر کارت بر میگردانم گفتم شهد الله انه لا اله الا هو گفت چه می‌گوئی گفتم هر دو یکی است فرقی ندارد که فریاد کشید برو بیرون برو بیرون من هم گفتم اطاعت میشود با اجازه شما خداحافظ و از در بیرون آمدم. فردای آنروز دوباره آقا به بیمارستان می‌رود و اتفاقاً خانم مهدیزاده آنروز تعطیل بودند و استراحت داشتند سوال میکند آن زن بهائی کجا رفته که جواب میشوند او را پاکسازی کردند و رفت. در مورد پاکسازی خود هم تعریف میکند: " قبل از اینها یکرز من را به کارگزینی دانشگاه احضار کردند (بیمارستان وابسته بدانسگاه شیراز است) در آنجا متصدی پرسید شما فرقه ضاله هستید؟ گفتم نمی‌دانم چه می‌گوئید من هنوز این کلمه را نشنیده‌ام یکبار دیگر بگوئید گفت می‌گویم مذهب شما فرقه ضاله است؟ گفتم نه ما معتقد بدیانت مقدس بهائی جهانی هستیم گفت چه می‌گوئی گفتم همین‌که می‌گویم. گفت بگو اشهدان لا اله الا الله تا ننویسم که پاکسازیت کنند گفتم همین‌که به جنابعالی گفتم کافی است گفت شما که سواد ندارید چطور باین دیانت ایمان دارید؟ گفتم آقا مگر دین سواد می‌خواهد تنها یک قسمت از ملت ایران سواد دارند و سه قسمت آنها بیسوادند پس دین ندارند؟ گفت تا موقعی که حکم بشما داده میشود باید مجانی کار کنید و حقوقی ندارید گفتم اشکالی ندارد ".

هنوز هم حکم را باو نداده‌اند و با وجودیکه میدانند حقوقی در کار نیست بسر کار خود می‌رود جالب اینجاست که می‌گوید: نمی‌دانم خدا چه طاقتی بمن داده بود که روبروی سه پاسدار مسلح و آقا هیچ مسئله‌ای برایم پیش نیامد و کاملاً خونسرد بودم اما بعد از آن که از بیمارستان بیرون آمدم و بخانه یکی از آشنایان رفتم حالم دگرگون شد.

[یادداشت دستنویسی در بالای صفحه]

نامه خاتم بهائیه مهدیزاده مادر جناب احسان الله مهدیزاده (شهید شیراز)

[متن بالا رونویسی از اصل سند است. اگر به نکته‌ای برخورد کردید که دقیق رونویسی نشده است لطفاً به نشانی ایمیل در صفحه تماس با ما بفرستید]